

لذک ۴

روزی دگر به دوره تو مان ها  
 همان سرای مارکن و لنین بوده است  
 در لندن - این سفینه سر مایه  
 این پانچت سلطنت و قدرت  
 این پانگاه محکم است ها  
 این شهر احتصاب و سخن رانی  
 صلح و سلاح در صف روی روی  
 با یکدیگر چه سخت به پیکارند  
 رزندگان عاصق آزادی  
 با عهد های بسته وفا دارند...

در لندن ام که هر گفتم حالت  
 اما سبانه روز دلم آنجا است  
 در خاک خون گرفته خوزستان  
 یا در میان آتش لبنا نم

لذک!  
 چه روزگار پریشانی  
 در بارک های سبز تو همانم  
 زیباست از تو با تو سخن گفتن  
 اما نه این زمان که پریشانی

لذک!  
 رگبارها چه زود گذر مسند  
 تاریخ را تو خواندی و خواندم من

x x x

لذک - فلدر اتس - لذک

روشن و روشن ۱۹۱۲

راه